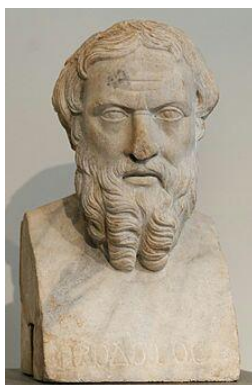




یونان

(تاریخ حقیقی روابط و جنگ های ایران و یونان) بخش پنجم

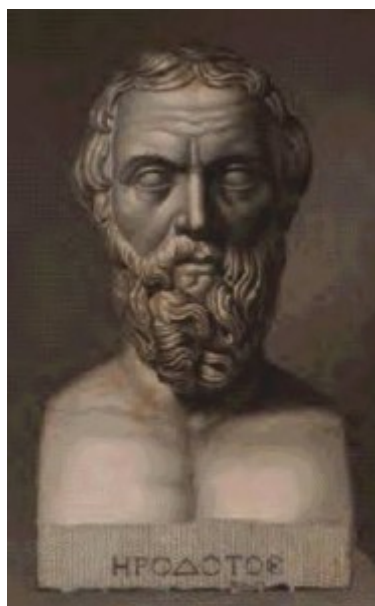
نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۸ مهر ۱۳۹۲ ۵۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

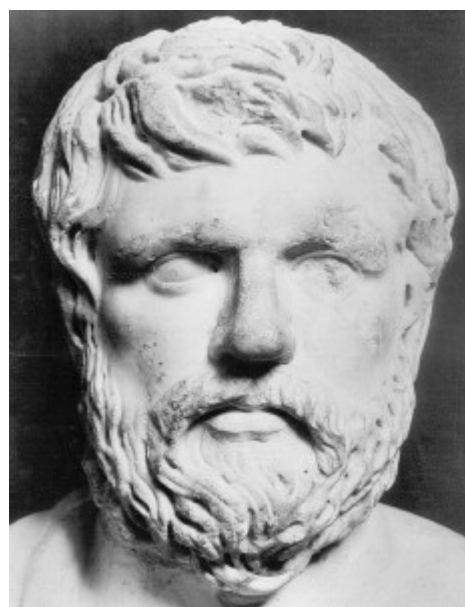
دان : ((نفرین بر هرودوت خبیث پلید دروغگو)) هرودوت در این بخش قسمتی از نوشته های گزنفون یونانی درباره قوانین ایران باستان را نقل می کنیم : ((در قوانین ایران بسیار زودتر از ملل دیگر به تربیت کودکان در جهت منافع عمومی جامعه توجه می شود. در واقع اکثر ملت ها افراد خود را آزاد می گذارند تا هرطور دلشان می خواهد فرزندشان را تربیت کنند و جوانان بالغ شده را نیز آزاد می گذارند که هرطور دلشان می خواهد زندگی کنند. قوانین ایران به نحوی هستند که قبل از هر چیز شهروندان را طوری تربیت کنند که آنان را پیشاپیش از

دان : ((نفرین بر هرودوت خبیث پلید دروغگو))



هرودوت

در این بخش قسمتی از نوشته های گزنفون یونانی درباره قوانین ایران باستان را نقل می کنیم :



((در قوانین ایران بسیار زودتر از ملل دیگر به تربیت کودکان در جهت منافع عمومی جامعه توجه می شود. در واقع اکثر ملت ها افراد خود را آزاد می گذارند تا هرطور دلشان می خواهد فرزندشان را تربیت کنند و جوانان بالغ شده را نیز آزاد می گذارند که هرطور دلشان می خواهد زندگی کنند. قوانین ایران به نحوی هستند که قبل از هر چیز شهروندان را طوری تربیت کنند که آنان را پیشاپیش از اقدام به کارهای ننگین و شرورانه بازدارند.

این میدان به چهار قسمت تقسیم شده است :

عادت کنند و روزها در اختیار روسای خود و در خدمت جامعه باشند. ایرانیان شکار را ورزشی عمومی کرده اند و در شکار نیز همانند جنگ شاه پیشاپیش همگان قرار می گیرد و خود به شکار می پردازند و پارس ها هیچ ورزشی را برای آمادگی جنگی بهتر از شکار نمی دانند که در آن ناچار باید از سپیده دم آماده باشند ، در برابر گرما و سرما ایستادگی کنند ، خستگی دویدن و راهپیمایی را تحمل کنند ، با خطر رویارو شوند و تیر و زوبین بیاندازند.

وقتی پارس ها برای شکار به بیرون می روند ناهاری بیشتر از ناهار کودکان ولی مشابه با آن همراه بر میدارند. هنگام شکار چیزی نمی خورند زیرا که می خواهند بتوانند در هنگام ضرورت جنگی روزه دار بمانند. جوانان پس از ده سال کار آموزی در طبقه مردان کامل پذیرفته می شوند. وقتی کسانی که این پرورش را دیده و خدمات خود را انجام داده اند به پنجاه سالگی برسند در طبقه ای وارد می شوند که ایرانیان به آنها قدما گویند. قدما دیگر به جنگ بیرون از کشور نمی روند. در شهر می مانند و به داوری در مورد اختلافات عمومی می پردازند.

استرابون نوشته است : ((ایرانیان همیشه سوار بر اسب و با تیر و زوبین و فلاخن به شکار می روند. بعدازظهر ها به درخت کاری ، چیدن گیاهان دارویی ، ساختن سلاح و افزار های شکار و توربافی می گذرانند. هرگز به شکاری که کشته اند دست نمی زنند بلکه باید آن را دست نخورده همراه ببرند.))

استرابون می گوید : ((چون سربازان ایرانی چیزی برای خرید یا فروش ندارند ، از میدان جنگ پا به فرار نمی گذارند.)) هرودوت می گوید : ((ایرانیان از ادرار کردن ، تف کردن و دست و رو شستن در جوی یا نهر خودداری می کنند زیرا که آب روان را مقدس می دانند.))

ادامه نوشته های گزنفون : ((برای یک ایرانی کمال بی ادبی است که تف کند یا آب بینی بگیرد یا اجازه دهد که صدای باد درون شکمش را بشنوند. اینکه دیگران ادرار کردن یا کار دیگر انسان را ببینند نیز بی ادبی است. این ها چیز هایی بودند که لازم بود درباره پارس ها به طور کلی بگویم))

باید توجه داشت که اگر گزنفون و استرابون و هرودوت درباره این خصوصیات جامعه ایرانی تاکید می کنند از آن روست که حتی در یونان زمان خودشان چنین آدابی عمومیت نداشته است. این است فرهنگ و تمدن ایران باستان که با دروغ و کوتاه بینی و خباثت برخی از مورخان عهد قدیم و جدید وارونه نشان داده شده است و ایرانیان فرهنگ ساز فرهنگ دوست را بنام بربر و وحشی می خوانند...

بخش های اول تا چهارم این نوشتار را در بخش تاریخ حقیقی ایران و یونان ببینید...

ادامه دارد... بدرود

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تاریخ حقیقی روابط و جنگ های ایران و یونان (بخش پنجم)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1378/pdf/2>.pdf تاریخ-حقیقی-روابط-و-جنگ-های-ایران-و-یون-2

آخرین ویرایش مقاله: ۲۷ مهر ۱۳۹۹